

یحیی سنوار چهره درخشان مقاومت و شهادت



آیا موالی زاده شعار «همه باهم» را عملیاتی خواهد کرد؟!

صفحه ۲



یادداشت

متخصص گران سازی معیشت ملت

■ سید یاسر جبرائیلی

نسبت ترورهای تابستان ۱۳۶۰ ایران و ترورهای اخیر لبنان چیست؟ از تهران تا بیروت؛ تروریسم حریف مقاومت نیست

صفحه ۳

در ستایش سنوار



شیخ نعیم قاسم؛ از جهاد در رکاب امام موسی صدر تا بنیانگذاری حزب الله

صفحه ۴

فرصت ها و چالشهای استاندار جدید خوزستان چیست؟

استاندار خوزستان باید قبل از هر چیزی نیک بداند جورچین قدرت در خوزستان تکه های ریز و درشت بیشماری دارد و رمز موفقیت در چیدمان معقول و منطقی و عادلانه این تکه ها کنار هم است. نادیده گرفتن کنش گران سیاسی و نداشتن تعامل سازنده با اصحاب قدرت سیاسی عمر مدیریتی را در خوزستان بسیار کوتاه می سازد.

ترسیم درست ویژگیهای فرهنگی و دینی و اجتماعی در سند راهبردی استانداری از دیگر بایسته های موفقیت هر استانداری است. بایسته مذهبی و مسجد محور خوزستان در کنار قومیت های مختلف فرصتی مغتنم در پیش روی استان است. اما جناب موالی زاده باید هوشمندی داشته و مانع دسیسه های دوستان بداندیش شود که در لویای وفاق، مباحث قومیتی را بر جسته سازند و فرصت قومیت را به محملی برای تصفیه حساب های سیاسی قرار دهند. استانداری خوزستان، امروز استاندار همه اقوام خوزستان است و بایستی مبتنی بر ظرفیتهای انسانی و جغرافیایی و صنعتی و کشاورزی و تاریخی هر بخشی برنامه روشن و عادلانه تدوین نماید. از سوی دیگر استان دارای ظرفیتهای رسانه ای قوی است که رمز مانایی و پایداری هر استانداری در عصر دیجیتال امروز، تعامل دوسویه روبه جلو است و قهر و طرد و تقابل رسانه ای و مدیریتی اگر دل در گروه غلطی است که می تواند وفاق مدنظر دکتر پزشکیان را خدشه پذیر نماید. در حوزه صنعت از صنایع نفتی تا کشاورزی، بهره مندی از نیروها و مدیران بومی و ایستادگی مقابل پدیده شوم مدیر پروازی از دیگر بایسته های مدیریت در خوزستان است و می بایست با تدوین بسته های تشویقی ماندگاری در خوزستان را افزایش داد و باید سهم مردم از زندگی در خوزستان بر نعمت از آلودگی و فاضلاب و حاشیه نشینی به زندگی مومنانه و بی دغدغه و قابل زیست تغییر یابد.

موتور آموزش عالی استان نیاز به کنکاش و بررسی بیشتری است و می بایست آموزش عالی از این رویکرد منفعلانه و متضررانه به رویکرد فعالانه و دلسوزانه و مردمی تغییر یابد. در پایان فرصت خدمت در خوزستان بسیار کوتاه و غیرقابل پیش بینی است و هر مدیری اگر دل در گروه پیشرفت استان دارد می بایست همتی بلند و صبری عظیم و تلاشی خستگی ناپذیر پیشه کند و با انتخاب مدیران کارآمد و سالم فارغ از قومیت و جناح بندی سیاسی خوزستانی آباد را رقم زند.

منبع: تابناک

برش خوزستان از سند مهندسی فرهنگی کشور تدوین شد



به اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی خوزستان گفت: خوزستان ها است را باید انجام دهیم هابی است که توانست «سند مهندسی فرهنگی کشور برش استان خوزستان» را تدوین و رونمایی کند. به گزارش رسانه جنوب و به نقل از روابط عمومی اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی خوزستان، مجید منادی در دومین نشست شورای اداری رؤسای شهرستانهای فرهنگ و ارشاد اسلامی خوزستان که با دستور کار بررسی عملکرد ۶ ماهه اول سال و برنامه ریزی برای نیمه دوم سال در سالن جلسات اداره کل برگزار شد، بیان کرد: یکی از مواردی که بسیار مهم است بررسی اقدامات عمرانی است که انجام شده، بیش از حدود ۶۰ میلیارد تومان هزینه عمرانی برای خوزستان جذب و تخصیص صورت گرفته است که رضایتمندی را به همراه داشته است. مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی خوزستان گفت: تعمیر و تجهیز صورت گرفته است. پیگیری سایر مباحث زیر ساختی، رونق فعالیت های فرهنگی و هنری و اتفاقات دیگری که در شهرستان ها در حال انجام شدن است نیز یکی از کارهای در حال برنامه ریزی و اجرا است. وی با بیان اینکه خوزستان جز استان هایی است که با تلاش های عمده و هم افزایی دستگاهها توانسته سند مهندسی فرهنگی کشور برش استان خوزستان را تدوین و رونمایی کند، افزود: امروز باید به فکر اجرای این سند باشیم، آن بخش که مربوط

۶۰ نیستند و می توانند زیر بار مشکلات بروند و ارزش افزوده ایجاد کنند. سلامت گزینی و بومی گزینی از دیگر محورهای پیش روی دکتر موالی زاده است که می تواند وفاق را به یک حرکت عمومی تبدیل سازد. افراد پاکدست و مقید می تواند ضریب درستی تصمیمات را ارتقا دهد. یکی از مطالبات به حق مردم استان طی سالهای مختلف، بومی گزینی و استفاده از مدیران بومی بوده است. در شرایطی که خوزستان دارای جوانان خوشفکر و انقلابی است، جوانانی که در این شرایط نامناسب زیستی بعنوان مرزدار در خوزستان زندگی و به شکلی ایستادگی می کنند، حق دارند مدیریت استان را بر عهده گیرند. عمران و آبادی خوزستان در سایه وفاق همگانی حاصل می شود و برای رسیدن به خوزستانی آباد و تولید رضایت عمومی خدمت صادقانه و بدون منت در اولویت باشد. توسعه زیر ساختها بویژه مترو نیازمند علاج بخشی عاجل است. یکی از مواردی که استاندار جدید بدان باید اهتمام کند، مسأله دیدار مردمی و داشتن روحیه مردمی است و دوری گزینی از مردم و اتخاذ تصمیمات پشت درهای بسته، سرمایه اجتماعی دولت را مورد سایش قرار میدهد و در این بین احزاب بویژه رسانه نقش مهمی دارد. خوزستان یکی از ظرفیت ترین ها در عرصه رسانه است به یاد دهن به رسانه های سالم، مردمی و متعهد و داشتن رویه دوسویه با رسانه ها وفاق بخش است. دشمنان وفاق که گاهی لباس دوست بر تن دارند، کسانی است بن مایه فکری آنها بازی زده و متعلق به عصر قومگرایی و سیاسی بازی است و جناب موالی زاده شرط اول قدم آن است که مقابل این بادمجان دور قاب چینهایی متعلق ایستاده و به تعبیر مولا علی بر دهان ثناگویان بوقلمون صفت خاک پاشید و بر مسیر سلامت گزینی، بومی گزینی، اخلاق گزینی و تدین گزینی اصرار کرد هر چند، به بهای رویگردانی هم حزبی ها! باشد. امروز ما نیاز به وفاق برای پیشبرد استان و حل مسایل نیاز داریم، مردمی که در انتخابات نشان دادند گلابه مند هستند دیگر نمی پذیرند کار گزارانی که امروز ميسوط الید و با حمایت تام و کمال حاکمیت قدرت را به دست گرفتند، فرصت را غنیمت نشمده و کنایه «نگذاشتند کار کنیم» را حواله مردم کنند.

یادداشت



خوزستان در آینه دولت چهاردهم/ دکتر موالی زاده مسیر وفاق را در پیش گیرد

وفاق و همگرایی ملی یکی از اصلی ترین پارادایم های بود که از سوی دکتر پزشکیان در انتخابات ریاست جمهوری مطرح و مردم نیز به این تفکر رای داده و اعتماد کردند. گفتمانی که نیاز است اصلاح و ابعاد و باید و نبایدهای آن نظاممند و مشخص گردد که باعث سو برداست نشده و بتوان دستاوردهای آن را در آینده آگاهانه مورد قضاوت قرار داد.

نبود تعریف مشخص از وفاق سبب گردیده که برخی آن را تقلیل از زرشها و فساد دادن به افرادی با هر شکل و تفکری تفسیر کنند که قطعاً این به صلاح دولت هم نیست و برخی آن را به سهم خواهی مساوی همه جریان ها مرتبط دانستند و برخی صرفاً یک شعار تلقی کردند که قدرت تحرک اجتماعی و گفتمان سازی را ندارد. در این چند ماه گذشته آنچه پنداشت عمومی است، مسأله سهم خواهی و انتصابات قطاری و مبتنی بر سیاسی کاری بوده است که بی شک وفاق آفرین نیست. جناب موالی زاده استاندار جدید خوزستان بعنوان یک چهره فرهنگی و کار کشته، که مورد وفاق جریانهای مختلف است که خود این یک سرمایه اجتماعی برای توسعه خوزستان است که باید استاندار جدید از آن بهره گیرد. برای اینکه وفاق شکل گیرد، استاندار جدید میبایست در وهله اول نسبت به تدوین سیاست های وفاق اهتمام ورزد و اینکه وفاق چیست و با چه متد و روشی و با چه افرادی می توان وفاق را در خوزستان ایجاد کرد، اقدام نماید. خوزستان دارای ظرفیتهای مختلف فرهنگی و اجتماعی و سیاسی است و نادیده گرفتن ظرفیتهای قومی برای توسعه از یکسو و دستکاری موقعیت قومیتی بدون راهبرد مشخص از سوی دیگر، با وفاق همی نسبتی ندارد. بیش از هر چیز باید سمت حکمرانی شایسته گان حرکت کرد و از قومی گزینی که مخل روند توسعه اجتماعی و سیاسی است، آگراه کرد و عملکرد و کارنامه باید ملاک عمل باشد. میدان دادن به جوانان متعهد و مومن به انقلاب و تربیت مدیران جوان دیگر میدان محکمی است که موالی زاده پیش روی خود دارد. پیرسازاری و نادیدن جوانان فرصت سوزی محض است و به تعبیر رهبری انقلاب دولت باید زمینه تربیت مدیران را برای سالهای پیش رو فراهم سازد. جوانان امروز ما نشان دادند کم از جوانان دهه

آیا موالی زاده شعار «همه باهم» را عملیاتی خواهد کرد؟!

محمدجعفر فلسفی

روز چهارشنبه ۲ آبانماه مراسم تودیع و معارفه استاندار خوزستان در محل سالن شهید هاشمی استانداری برگزار گردید. تالاری مملو از جمعیت که پاسخگوی جمعیت حاضر نبود وبالاجبار تعداد زیادی از مدعوین حتی معاونین استاندار بصورت سرپایی نظاره‌گر مراسم بودند، برخی نیز چاره ای جز ترک سالن نداشتند. ظاهراً لیست مربوط به مدعوین استاندار جدید خیلی بیشتر از ظرفیت سالن بوده است.

قبل از ورود به محتوای مراسم این مسئله را یادآور شوم که خوزستان از ابتدای انقلاب تاکنون ۱۹ استاندار را تجربه کرده که ۶ نفرشان (فروزنده، مقتدایی، حجازی، حیات مقدم، شریعتی و خلیلیان) بومی استان بوده اند و با انتصاب دکتر موالی زاده تعدادشان به ۷ نفر می‌رسد. طول عمر ۶ نفر فوق جمعاً ۲۱ سال بوده است.

اما بپردازیم به اصل ماجرا، اهم مطالبی که توسط سخنرانان مطرح شد شامل موارد ذیل بود که در برخی موارد توسط نگارنده مورد نقد قرار گرفته است:

۱- تشکر و قدردانی از انتصاب فردی بومی در رأس مدیریت استان از جمله مواردی بود که بسیارپررنگ به آن پرداخته شد. وزیر کشور عاملدانه اصرار داشت براین مسئله تأکید کند که برای اولین پس از انقلاب است که استانداری عرب توسط دولت دکتر پزشکیان برای خوزستان انتخاب شده ، همان‌طور که اولین باردر کشور استاندار اهل سنت انتخاب شده است.



دکتر اسکندر مومنی قبل از آن تأکید کرده بود که طرز تفکر و قومیت فردی که برای استانداری انتخاب شده هیچ تفاوتی ندارد و اولویت اصلی کارآمدی و شایستگی فرد می باشد.

۲- بالانفاق تمام سخنرانان بر اینکه باید از تمام ظرفیت‌ها استفاده شود تأکید داشتند، حرفهایی که همه می دانند زدوبندهای سیاسی و اقتصادی، ارتباطات پشت پرده ، باج خواهی سهم خواهان و دخالت‌های مرسوم موانع جدی عملیاتی شدن آن هستند.

● وزیر کشور به طرح وفات و همبستگی ملی رئیس‌جمهور و اینکه اداره کشور باید توسط همه گروه‌ها صورت گیرد اشاره و تأکید کرد؛ این شعار به معنای استفاده از همه ظرفیت‌ها و گروه‌های مختلف می باشد.

● آیت‌الله موسوی جزایری، توسعه استان را منوط به کمک کارشناسان و نخبگان دانست و گفت: مشکلات استان باید توسط



تیم‌های کارشناسی و متخصص مورد بررسی قرار گیرد تا درمسیر توسعه استان وبرنامه‌های کاربردی گام برداریم.

● مصطفی مطورزاده رئیس مجمع نمایندگان استان در مجلس، راه حل مشکلات استان را استفاده ازنیروه‌های متخصص جوان، کارآمد، مؤمن و متدین در رأس امور دانست و تأکیدکرد: مقوله مدیران پروازی تحقیری برای استان است و باید از استان برچیده شود.

● دکتر سیدمحمدرضا موالی زاده استاندار جدید خوزستان اینچنین گفت: باید دست به دست هم داد و شرایط زیست پایدار را دراستان ایجادکرد.

وی یکی از سیاست‌های خود را استفاده از توان اجرایی نیروهای بومی استانداری عنوان کرد و گفت: از همه خوزستانی‌های خارج از استان و کشور دعوت می کنیم با همکاری یکدیگر برای پیشرفت و توسعه استان تلاش کنیم.

موالی زاده مجدداً تأکید کرد: باید بستری فراهم کنیم تا بتوان از ظرفیت همه نیروها استفاده کرد.

۳- نماینده ولی فقیه در استان با تأکید بر اینکه همه وظیفه داریم به دولت خدمت گزار کمک کنیم گفت؛ نباید در انتصابات دخالت صورت گیرد و انتظار می رود در امور اجرایی و کارها استاندار جدید از سوی همه اقشار و مسؤولان حمایت شود.

تأکید حجت الاسلام والمسلمین عبدالنبی موسوی فرد بر اینکه «ناباید در انتصابات دخالت صورت گیرد» حکایت از وجود نگرش و رویکرد غلطی است که سالیان سال است بر تفکر بخش اعظم نمایندگان، جریان‌ات سیاسی و افراد ذینفوذ و صاحبان زر حاکم است. و این مصیبت دامن بسیاری از استاندارانی ک حفظ و تقویت خود را در گرو حمایت آنان می داند را گرفته است.

بماند اگر چنانچه وعده و وعیدهایی هم از قبل به برخی از افراد داده شده باشد که خود قوز بالا قوز خواهد بود.

۴- وزیر کشور نرخ بالای بیکاری را برای استانی که دارای ذخائر نفت و گاز فراوان است زیننده ندانست و گفت: مهاجرت از استان افزایشی شده و از آنجا که خوزستان دین بزرگی به گردن همگان دارد باید بر چالش‌های استان فائق آمد.

وی تنش آبی، کم آبی و بحث فاضلاب را از مهمترین چالش‌های استان دانست و گفت: رئیس‌جمهور کارگروهی از چند وزیر برای حل مشکلات استان تشکیل داده است.

● مطورزاده اهمیت کشاورزی را کمتر از نفت ندانست و گفت: می توان محصولات کشاورزی را از ۱۸ میلیون تن به ۳۰ میلیون تن رساند.

وی تأکید کرد: صنایع سنگین در جذب اشتغال ناتوان هستند و باید صنایع پایین دستی را توسعه داد.

مطورزاده به موارد زیر هم اشاره داشت:

● مقوله راه و راه آهن که خوزستان فقیرترین در کشور است و باید توجه خاص شود.

● نقص طرح آبرسانی غدیر و آب فدک و همچنین طرح های آب و فاضلاب.

● مقوله گردشگردی سلامت به رغم همجواری با عراق و اینکه خوزستان کمترین بهره را از این مساله می برد علی رغم اینکه سالانه ۱ میلیون و ۷۰۰ هزار نفر از عراق برای زیارت و گردشگردی وارد ایران می شوند.

● توانمند سازی شهرداری ها و دهرداری ها و موضوع متروی اهواز که حدود ۲۰ سال است به سرانجام نرسیده است.

■ **موالی زاده نیز اهم مشکلات استان را شامل موارد زیر دانست:**

● خوزستان برخلاف گذشته اکنون مهاجرپرست ترین استان است و باید این شرایط تغییر یابد.

● مشکل آب و هدر رفت حدود ۴ میلیارد مترمکعب از آب های جاری استان که می توان با احداث یک سد تنظیمی در بهمینشیر آبادان این مشکل را برطرف کرد.

● مساله فاضلاب و لایروبی کارون و همچنین آلودگی آب، هوا و خاک استان

● طرح ۵۵۰ هزار هکتاری کشاورزی که حدود ۲۴۸ هزار هکتار آن اجرا شده و ما باقی باید به طور کامل اجرا شود تا مشکل اشتغال استان حل شود.

خوزستان ۱۳۸ محصول کشاورزی تولید می کند و ضرورت دارد صنایع تبدیلی، تکمیلی و فرآوری با جدیت دنبال شود.

● حدود یک میلیون حاشیه نشین در مناطق کم برخوردار استان وجود دارد که در دارای رتبه اول در کشور هستیم

● یکی از سیاست‌های ما راه اندازی صندوق توسعه استان است ● اینکه آقای دکتر موالی زاده به هدر رفت ۴ میلیارد متر مکعب در استان اشاره می کند نیاز به دقت و کنکاش بیشتری دارد زیرا ارائه چنین عدد و رقمی معقول به نظر نمی رسد و بعید است کارشناسان چنین چیزی را تایید کنند. از طرفی ادعای اینکه با یک سد تنظیمی مشکل مرتفع می شود هم جای بحث فراوان دارد.

این مهم را نیز یادآور می شویم که سد تنظیمی بهمینشیر در حال حاضر ۹۷ درصد پیشرفت فیزیکی دارد و طی چند ماه آینده قاعدتا باید افتتاح شود اینکه چرا اطلاعات درست به ایشان منقل نشده و هم جای تعجب دارد.

۵- سه موضوع دیگر هم در این مراسم مطرح شد:

آقای موالی زاده برخلاف معمول جلسات رسمی در خلال سخنان خود اسمی از رئیس ستاد انتخاباتی دکتر پزشکیان آورد که نوعی

ادای دین نسبت به نامبرده بود و اولین پیامش این بود که خط و ربط های سیاسی قرار است از کجا نشأت بگیرد و این همه حرف و ادعا و شعار وفاتق به یک باره در اولین جلسه به سرعت رنگ باخت. وزیر کشور اعلام کرد پس از یک سال عملکرد و کارنامه استانداران ارزیابی خواهد شد که بیان آن حکایت از این است که استانداران خیلی نباید به صندلی های خود دل ببندند، البته اگر وزارت کشور در اجرای آن جدی باشد.

وزیر کشور ارتقاء جایگاه استان را منوط به کمک نمایندگان مجلس دانست و گفت: تحول در شهرداری ها مورد توجه وزارت کشور است و قطعاً استان خوزستان از این موضوع بی نصیب نیست.

اینکه در شرایط سخت مدیریت شهری وزارت کشور چگونه به کمک شهرداری ها خواهد آمد هم خیلی توضیح داده نشد.

۶- تمام آنچه که در بالا ذکر شد را می توان در ۳ محور خلاصه کرد



۱-۶ استفاده از تمام ظرفیت‌ها به ویژه افراد نخبه و خوش فکری که می توانند بهترین طرح‌ها و ایده‌ها را پیاده کنند امیدواریم که همانگونه که در آقای دکتر موالی زاده در مراسم بیان نموده اصل شایسته سلالی مبنای عمل بوده و دایره ارتباطات وی محدود به افراد خاص نگردد.

۲-۶ خوشبختانه خوزستان چهره های خوش فکر، دلسوز، متعهد، سالم و ومتخصص کم ندارد. معمولاً به دلیل نداشتن روحیه چاپلوسی و ... کمتر دیده می شوند.

چاره کار اینست که مناسبت غلط گذشته کنار گذاشته شود شرایط لازم برای حضور تمامی آنان فراهم شود و بانک اطلاعاتی درست و حسابی براساس شاخص های علمی و ارزشی تهیه شود و با رویکرد شفافیت مردم و نخبگان را در جریان روند امور و چگونگی انتصابات و تصمیمات خود قرار دهند.

۳-۶ تهیه نقشه راه و برنامه ریزی براساس اولویت‌ها و منابع و همچنین رفع موانعی که اجازه نمی هد امور استان سروسامان بگیرد. به گفته وزیر کشور باید برای آرامش مردم و برآشتن پیچیدگی های اداری قدم برداریم.

این امر نیاز به اراده و همتی بلند دارد و موفقیت استاندار خوزستان در این مسیر خواسته همه ما و مهم تر از همه رضایت خداوند تبارک و الله و تعالی است.

متخصص گران سازی معیشت ملت

■ **سید یاسر جبرائیلی**

وقتی یک مقام سیاسی در تریبون‌های عمومی سخن می‌گوید، انتظار افکار عمومی این است که مرتبط با مسائل ملی و منافع عمومی، خبر یا تدبیری از او بشنود؛ چشم‌اندازی برایش ترسیم شود و در دلش امید جوانه بزند...

از این زاویه، به این فرمایشات یک مقام اجرایی دقت بفرمائید: «کاهش قیمت‌گذاری‌های دستوری و شکاف نرخ ارز نیما و بازار برای حذف رانت و کاهش سوء تخصیص منابع در دستور کار دولت است.» این جملات، آیا اساساً برای افکار عمومی قابل فهم است؟ مردم عادی که صحبت وزیر را از رسانه‌ها می‌شنوند، آیا می‌دانند نرخ ارز نیمایی چیست؟ نرخ ارز بازار چیست؟ کاهش شکاف این دو به چه معنی است؟ در نتیجه کاهش شکاف نرخ ارز نیما و نرخ ارز بازار چه اتفاقی قرار است برای زندگی‌شان بیفتد؟ پاسخ این سوالات قطعاً خیر است! به همین دلیل است که باید گفت وزیر اقتصاد دولت چهاردهم با مردم سخن نمی‌گوید. برای مردم چشم انداز ترسیم نمی‌کند، در دل مردم امید ایجاد نمی‌کند. اما مخاطب این سخنان اگر مردم نیستند، چه کسانی هستند؟ مردم کجای این سیاست‌اعلامی هستند؟ مخاطب وزیر اقتصاد دولت چهاردهم، «دلارداران و دلاری‌فروشان» هستند. دلارداران، یعنی کسانی که از طریق صادرات، درآمد ارزی کسب می‌کنند. دلاری‌فروشان نیز یعنی کسانی که محصولات خود را در داخل کشور به قیمت‌های جهانی ضربدر نرخ دلار می‌فروشند.

ترجمه سخنان وزیر اقتصاد این است:

۱- دلارداران عزیز در جریان باشند می‌خواهیم شرایطی فراهم کنیم که دلارهای حاصل از صادرات خود را که در حال حاضر به قیمت ۴۷ هزار تومان به واردکنندگان می‌فروشید، بتوانید با قیمتی نزدیک به ۶۳ هزار تومان (نرخ بازار) بفروشید. یعنی اگر ۱۰۰ میلیون دلار صادرات کرده‌اید، می‌توانید این ۱۰۰ میلیون دلار را بجای اینکه به قیمت ۴۷۰۰ میلیارد تومان (هر دلار ۴۷ هزار تومان) بفروشید، حدود ۶۰۰۰ میلیارد تومان بفروشید(هر دلار ۶۰ هزار تومان). اینجاست که ناقابل ۱۳۰۰ میلیارد تومان بدون اینکه چک و چانه‌ای بزنید، کاسب می‌شوید.

۲- دلاری‌فروشان عزیز در جریان باشند که به زودی می‌توانند قیمت جهانی محصولات خود را که اینک در دلار ۴۷ هزار تومان ضرب کرده و به ملت می‌فروشند، به زودی در دلار ۶۰ هزار تومان ضرب کنند. یعنی اگر، برای نمونه، هر تن مس را که قیمت جهانی اش ۹۶۰۰ دلار است و شما در دلار ۴۷ هزار تومان ضرب می‌کنید و هر تن را حدود ۴۵۰ میلیون تومان به ملت ایران می‌فروشید، به زودی می‌توانید در دلار ۶۰ هزار تومان ضرب کنید و هر تن را ۵۷۶ میلیون تومان بفروشید و صفا بفرمائید. اگر مدیرعامل یک شرکت فولادی هستید، می‌توانید بخشی از این سود را خرج کنسرت کنید و هم مشهور شوید و هم محبوب شوید.

اما اتفاقی که برای مردم می‌افتد و وزیر اقتصاد آن را توضیح نمی‌دهد:

۱- تمام اقلام وارداتی کشور که با دلار نیما وارد می‌شوند (همه چیز بجز بخشی از کالاهای اساسی)، با افزایش نرخ دلار از نیما به نزدیکی! آزاد، متناسب با میزان افزایش نرخ دلار گران می‌شود.

۲- تمام محصولاتی که از مواد پتروشیمی و فلزات داخلی تولید می‌شوند، به دلیل اینکه به دلار به داخل فروخته می‌شوند، برای تولیدکنندگان و نهایتاً مصرف‌کنندگان گران خواهد شد.

■ **پیوست رسانه‌ای**

این پروژه، یک پیوست رسانه‌ای دو ستونی دارد. در یک ستون، فاصله نرخ ارز نیما با بازار آزاد، عامل رانت و فساد و قاچاق معرفی می‌شود. در ستون دوم، علت گرانی‌ها، نقدینگی و جنگ و تحریم معرفی می‌شود. یک پیوست اجتماعی هم هست و آن، دعوت مردم به کنسرت است که سرگرم شوند و شعر «خر برفت» را هم بخوانند.

جزئیاتی از درآمد مالیاتی ۵۱۳ همتی دولت در ۶ ماهه نخست

بررسی‌ها از داده‌های سازمان امور مالیاتی نشان می‌دهد در ۶ ماهه نخست امسال بدون در نظر گرفتن درآمد گمرکی؛ درآمد مالیاتی دولت نزدیک به ۶۱۳ همت بوده است. در میان پایه‌ها و پایه‌های فرعی مالیاتی، درآمد دولت در برخی از آن‌ها قابل تأمل است. برای مثال؛ طی ۶ ماهه نخست شرکت‌های غیردولتی بیش از ۲۱۵ همت مالیات داده‌اند. طی این مدت، مالیات شرکت‌های دولتی ۵/۳۱ همت و مالیات بنگاه‌های اقتصادی نهاد‌های انقلابی نیز ۲۸۴ میلیارد تومان بوده است. طی این مدت، درحالی‌که مردمان ۶۱ همت مالیات داده‌اند که این مقدار برای اصناف حدود ۳۴ همت بوده است. همچنین مالیات فروش خودرو ۱۴ همت، سیگار ۴ همت، بورسی‌ها حدود ۵/۲ همت، مسافران خارج‌رفته یک همت، مالکان خودروهای گران‌قیمت ۸۲۲ میلیارد تومان، مالکان خانه‌های لوکس ۷۸ میلیارد تومان و مالیات خانه‌های خالی نیز ۴ میلیارد تومان بوده است.

بخش	درآمد مالیاتی (میلیارد تومان)
مالیات شرکتهای غیردولتی	۲۱۵،۲۷۵
مالیات حقوق کارمندان	۶۰،۹۴۹
مالیات اصناف	۳۴،۲۷۵
مالیات علی‌الحساب و عملکرد شرکتهای دولتی	۳۱،۴۷۵
مالیات نقل و انتقالات و شماره‌گذاری اتومبیل	۱۳،۹۱۱
مالیات بر فروش و مصرف سیگار	۳،۹۷۹
مالیات نقل و انتقال سهام	۲،۴۶۷
عوارض خروج مسافران از مرزهای کشور	۱،۰۹۶
مالیات خودروهای گران قیمت	۸۲۲
مالیات بنگاه‌های اقتصادی نهاد‌های انقلاب اسلامی	۲۸۴
مالیات بر واحدهای مسکونی گران قیمت	۷۸
مالیات خانه‌های خالی از سکنه	۴



نسبت ترورهای تابستان ۱۳۶۰ ایران و ترورهای اخیر لبنان چیست؟

از تهران تا بیروت؛ تروریسم حریف مقاومت نیست

برخی از فرماندهان ارشد مقاومت لبنان و رهبران این جنبش مقاومت، از جمله عالم مجاهد، جناب سیدحسین نصرالله، در حملات تروریستی رژیم صهیونیستی به شهادت رسیدند. شهادت این عزیزان، برخی از دوستداران جبهه‌ی مقاومت و حامیان و همراهان آن را دربارہ‌ی آینده و سرنوشت این جبهه دچار نگرانی و بعضاً تردیدهایی کرد. در کنار این نگرانی‌های قابل درک، رژیم صهیونیستی و حامیان غربی آن نیز عملیات روانی سنگینی را در همین زمینه به راه انداختند؛ عملیاتی که هدف اصلی آن ایجاد رعب و وحشت، تردید، تزلزل، و در نتیجه تسلیم در برابر این رژیم جنایت‌کار بود. شایعه‌پراکنی و ساختن و ترویج روایت‌های جعلی از صحنه‌ی جنگ، از جمله‌ی ابزارهای دشمن در این زمینه بود و همچنان نیز هست.

- * یک تشبیه تاریخی بجا**

رهبر انقلاب اسلامی، در بخشی از خطبه‌ی دوّم نماز جمعه‌ی تاریخی اخیر تهران که به زبان عربی ایراد شد، فرمودند: «مردم مقاوم لبنان و فلسطین! مبارزان شجاع و مردم صبور و قدرشناس! این شهادت‌ها، این خونهای بر زمین ریخته، نهضت شما را سست نمی‌کند، بلکه! استوارتر میکند. در ایران اسلامی، در حدود سه ماه تابستان یک سال (سال ۱۳۶۰ هجری شمسی)، چند ده شخصیت برجسته و ممتاز ما ترور شدند که یکی از آنها شخصیت بزرگی مثل سیدمحمد بهشتی بود، یکی رئیس‌جمهوری مثل رجایی و نخست‌وزیری مثل باهنر بود، علمانی از قبیل آیت‌الله مدنی و قدّوسی و هاشمی‌نژاد و امثال اینها بودند. اینها هر کدام در سطح ملی یا محلی از ستونهای انقلاب به شمار می‌آمدند و فقدانشان چیز آسانی نبود؛ ولی انقلاب متوقف نشد، عقب‌نشینی نکرد، بلکه سرعت گرفت.»

کسانی که آن دوره‌ی خاص را از نزدیک درک و مشاهده کرده باشند زیاد نیستند و متأسفانه باید گفت به خاطر کم‌کاری‌ها در زمینه‌ی آگاهی و شناخت نسل جوان نسبت به تاریخ معاصر کشور،

علی‌رغم آنکه زمان زیادی از آن دوران نگذشته، این نسل آن‌چنان که باید و شاید اطلاع کافی و عمیقی در این مورد ندارد. بسیاری از ابهامات و شبهات و طمع دشمن به تأثیر بر جامعه، ناشی از همین ضعف است؛ موضوعی که یکی از دغدغه‌های جدّی رهبر انقلاب نیز هست: «... یکی از راههای فریب و اغواگری، تحریف تاریخ است که امروز متأسفانه این کار به‌وفور صورت می‌گیرد. ... من از اینکه میبینم جوانان ما از این قضایای اطلاعند، رنج میبرم.» ۲۰/۸/۱۳۸۰ «یکی از چیزهایی که بنده نگران آن هستم، این است که این نسل جوان بالنده‌ی ما که بحمدالله، هم آگاه و با بصیرت است، هم دارای انگیزه است، آماده‌به‌کار است، وسط میدان است، انقلابی است، بتدریج این حوادث مهم را، این عبرتهای بزرگ دوران معاصر را یاد ببرد ...» ۱۸/۶/۱۳۹۴

- * یک تابستان داغ**

اما در تابستان سال ۱۳۶۰ چه گذشت و نسبت آن با وقایع اخیر چیست؟ قبل از هر چیز باید توجه داشت که در آن مقطع، ایران شرایطی بسیار خاص داشت. کمتر از سه سال از پیروزی انقلاب می‌گذشت و نهادهای نظام جدید بسیار نوبا بودند. اولین رئیس‌جمهور کشور، ابتدا از فرماندهی کل قوا و سپس از ریاست جمهوری عزل شده و به خارج گریخته بود. گوشه‌هایی از کشور دچار ناامنی و شاهد سربرآوردن گروهک‌های مسلح و تجزیه‌طلب بود. و از همه مهم‌تر اینکه جنگ تحمیلی حدود یک سال بود که آغاز شده بود؛ جنگی همه‌جانبه و بزرگ که در یک سوی آن، رژیم صدام با آمادگی و سازوبرگ کامل و برخورداری از حمایت ابرقدرت غرب و شرق بود و در سوی دیگر، جمهوری اسلامی ایران که با انواع و اقسام مشکلات و چالش‌های داخلی دست‌به‌گریبان بود.

اگرچه خط ترور از ماه‌های اولّیه‌ی پیروزی انقلاب اسلامی آغاز شده بود، اما اوج این موضوع را می‌توان تابستان سال ۱۳۶۰ دانست؛ تابستانی داغ

شعر

یایحیی...

باز هم پرچمی دیگر برافراشته شد تا نسیم شهادت را در هر کوی و برزن عطراگین کند... باز هم آیه ای دیگر از مصحف شریف برای مان ترجمه شد.

یحیی فقط یک نام نیست، اکنون یک نشان است و یک پرچم به آسمان رفته تا فتح قله سعادت.یحیی فقط یک نام نیست، بلکه تجسم رشادت فرمانده ای است که تاروپود نقشه جعلی رژیم صهیونیستی را از هم گسست هر چند در نبرد تن با تانک جرعه نوش کوثر الهی شد اما هجای بلند مقاومتش مشق کودکان غزه و لبنان و... خواهد شد.

او اکنون پس از سالها آرامید و روح پر از التهابش به سکون حقیقی دست یافت اما خون پاکش جریان

زنده ی حماس را زنده تر خواهد کرد و شعله عشق

مبارزه را در نوجوانان و جوانان غزه فروزان تر.

شهادت مبارک ای مبارز نستوه ...بدا به حال آنانی

که در کنار طشت پای کوبی کردن دو هلهله ...و بدا به حال آنانی که "بد" هم نوشتند و قلم شان در کنج تاریک خانه به رعشه افتاد.

در بزم عاشقی با "حاج قاسم" و "سید حسن" و "اسماعیل" و "ابومهدی" ما را هم یاد کن.

- عباس اسلامی پور**

و پُرحدانّه که طُرّاحان و مجریان آن امید داشتند. آخرین تابستان عمر جمهوری اسلامی ایران باشد. به طور کلی، در این سال، حدود دو هزار نفر در سراسر کشور ترور شدند! رقمی تکان‌دهنده که حجم آن، به‌روشنی، گویای ابعاد ماشین ترور در آن سال خاص است. حتّی مردم عادی نیز از موج ترور در امان نبودند و عملاً بسیاری از ترورها کور و با هدف ایجاد رعب و وحشت در میان مردم و برای از میدان به در کردن آن‌ها انجام می‌شد. اما برخی از ترورها نیز کاملاً هدفمند طُرّاحی و اجرا می‌شدند؛ عملیات‌هایی که چهره‌های کلیدی و درجه‌یک انقلاب را هدف گرفته بودند و می‌خواستند با حذف فیزیکی این پایه‌های مدیریتی کشور، عملاً جمهوری اسلامی را دچار فروپاشی و براندازی کنند.

- * از مسجد ابودر شروع شد**

هدف اولین ترور در این تابستان داغ، آیت‌الله خامنه‌ای بود. ششم تیرماه، در حین سخنرانی امام‌جمعه‌ی تهران و نماینده‌ی امام در شورای عالی دفاع در مسجد ابودر، از طریق انفجار بمبی که در یک رادیو کار گذاشته شده بود، به جان ایشان سوءقصد شد که منجر به جراحت و جانبازی ایشان شد. فردای آن روز، یک عملیات تروریستی بسیار بزرگ رخ داد. با انفجار دو بمب قوی در دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی در نزدیکی محله‌ی سرچشمه‌ی تهران که منجر به فروریختن این ساختمان شد، آیت‌الله دکتر سیدمحمد بهشتی — رئیس وقت دیوان عالی کشور — و ۷۲ تن از یاران امام را به شهادت رساندند؛ در این حادثه، چهار وزیر، چند معاون وزیر، ۲۷ نماینده‌ی مجلس و جمعی از اعضای حزب جمهوری اسلامی به درجه‌ی رفیع شهادت نائل آمدند.در هشتم شهریورماه، ساختمان نخست‌وزیری بر اثر یک عملیات تروریستی منفجر شد و رئیس‌جمهور رجاّیی به همراه نخست‌وزیر باهنر به شهادت رسیدند. این‌ها تنها چند نمونه از اقدامات تروریستی آن ایّام بود و البته کار به

شعر

«هدیه»

- با الهام از سروده زیبای خانم مظفری، تقدیم به بانوان دریدال ایرانی که تکه‌ای از طلاهای خود را تقدیم جبهه مقاومت کردند**

آقا! بفرماید
انگشترم اینجاست
با عشق از دستم در آوردم
یک هدیه از یار است
مانند او زیباست!
این روزها عزم سفر دارم
او سالها در دست من، تنهاست ...
انگشترم هر شب؛
جان می‌دهد با اشک‌های مادرانِ داغدارِ خسته‌ی آواره‌ی زخمی
هر چند بی‌جان است
انگشترم عزم سفر دارم
دل‌تنگ لبنان است
انگشترم شاید
یک وعده‌ی شام شب آوارگان باشد

شیخ نعیم قاسم؛ از جهاد در رکاب امام موسی صدر تا بنیانگذاری حزب الله

- شیخ نعیم قاسم کیست؟**

«نعیم بن محمد نعیم قاسم» در فوریه ۱۹۵۳ در منطقه البسطاء در شهر بیروت به دنیا آمد. وی متاهل و دارای ۶ فرزند، چهار پسر و ۲ دختر است. پدرش محمد در شهرک کفر قیلا در منطقه التفاح در جنوب لبنان به دنیا آمد.نعیم قاسم پیش از انتصاب به دبیرکلی حزب الله، سمت معاون دبیرکل حزب الله را برعهده داشت.وی دارای سطوح عالی علوم حوزوی است؛ هم‌زمان با فراگیری علوم حوزوی، در دانشگاه لبنان به تحصیلات آکادمیک پرداخت و در سال ۱۹۷۱ موفق به دریافت مدرک لیسانس شیمی از دانشگاه شد.

نعیم قاسم در سال ۱۹۷۷ مدرک فوق لیسانس شیمی را از دانشگاه لبنان دریافت کرد، سپس به تدریس مشغول شد و به مدت ۶ سال به عنوان معلم در کلاس‌های متوسطه دولتی مشغول به کار شد؛ او همچنین فارغ التحصیل خانه معلم وابسته به وزارت آموزش و پرورش لبنان است.او در اوایل زندگی خود کتاب‌های اسلامی زیادی خواند و به سخنرانی پرداخت و برگزاری کلاس‌های دینی را تدارک دید؛ نعیم قاسم در آن زمان ۱۸ سال داشت و در مسجد برای کودکان کلاس‌های هفتگی برگزار کرد.او در اوایل دهه ۷۰ با هدف فعالیت دینی و انتقال افکار اسلامی در دانشگاه‌ها و مدارس همراه با گروهی از جوانان، «تحدیه دانشجویان مسلمان لبنان» را تاسیس کرد.شیخ نعیم قاسم پس از تاسیس «هنگ‌های مقاومت لبنان» (امل) توسط امام موسی صدر در سال ۱۹۷۴ به شاخه نظامی (افواج المقاومة اللبنانيّة) هنگ‌های مقاومت لبنان پیوست.نعیم قاسم در اولین جلسات امام موسی صدر با شخصیت‌ها و کمیته‌های اسلامی در لبنان برای راه اندازی این جنبش (امل)، فعالیت داشت. وی در ادامه به عنوان معاون مرکز فرهنگی جنبش امل منصوب شد، سپس به عنوان دبیر شورای رهبری این جنبش نائل آمد و به

همین جا ختم نشد؛ از چهره‌های مؤثر و فعال در انقلاب گرفته تا ائمّه‌ی جمعه‌ی محبوب و اثرگذار در میان مردم، هدف ترور قرار گرفتند. حجم و شدّت اهداف تروریستی و سرعت این اقدامات به گونه‌ای بود که طُرّاحان و مجریان آن مطمئن بودند جمهوری اسلامی از این تونل ترور و وحشت، زنده خارج نخواهد شد.حضرت امام خمینی، در واکنش به این ترورها، یک روز پس از انفجار ساختمان نخست‌وزیری فرمودند: «با رفتن شهدایی با اینکه بسیار ارزشمند، بسیار ارزشمند بودند و هستند، با رفتن شهدا، در عین حال که ما متأثر هستیم، لکن چون ما توجّهمان به خداس‌ت و برای خداس‌ت و ملت ما برای خدا قیام کرده است، با رفتن اشخاص، هیچ سستی به خودشان راه نمیدهند.» (صحیفه‌ی امام، ج ۱۵، ص ۱۳۸؛ سخنرانی در جمع اقشار مختلف مردم ۹/۶/۱۳۶۰)

- * از تهران تا بیروت**

ترورهای هفته‌های گذشته در بیروت اگرچه باعث از دست رفتن تعدادی از عزیزترین و ارزشمندترین چهره‌های مقاومت شد و دل‌های آزادگان جهان را به درد آورد، اما تصوّر و تبلیغ دشمن درباره‌ی تأثیر این ترورها بر حرکت و جریان مقاومت شبیه همان محاسبات غلط تروریست‌های چهل‌وچند سال پیش در تهران و دیگر شهرهای ایران است.از دست دادن آن شخصیت‌های بزرگ و ارزشمند، بی‌شک، سخت و لطمه‌زننده بود اما جمهوری اسلامی را از حرکت بازداشت، چرا که نه جمهوری اسلامی و نه مقاومت در لبنان و سایر مناطق منطقه، متکی به افراد نبوده و نیستند که بتوان با ترور آن‌ها حرکت اصلی را متوقف کرد؛ از قضا، این شهادت‌ها به دیگران برای پایمردی در این راه انگیزه‌ی مضاعف می‌بخشد. حزب‌الله لبنان، در روزهای اخیر، با زدن ضربات کاری به دشمن صهیونیستی نشان داد تحلیل رهبر انقلاب درباره‌ی این جنبش اصیل و برخاسته از دل مردم، چقدر درست و دقیق است.

تقریظ رهبر انقلاب بر کتاب

«پاییز آمد»

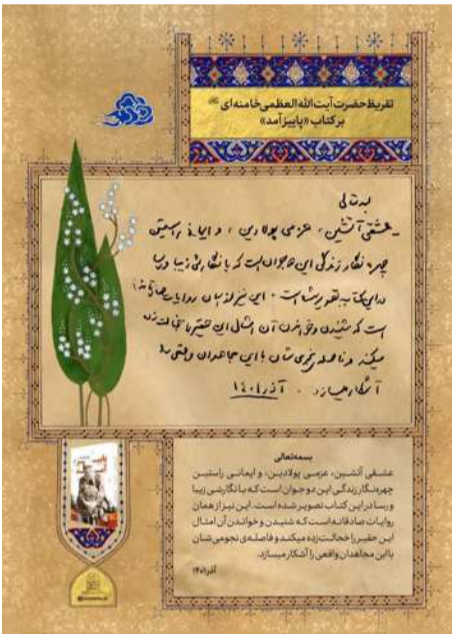
در مراسم شانزدهمین پاسداشت ادبیات جهاد و مقاومت در زنجان، تقریظ حضرت آیت‌الله خامنه‌ای بر کتاب «پاییز آمد»، روایت زندگی خانم فخرالسادات موسوی و سردار شهید احمد یوسفی، فرمانده واحد مهندسی، رزمی سپاه ناحیه زنجان، منتشر شد.

متن تقریظ رهبر انقلاب اسلامی بر این کتاب به شرح زیر است:

بسم‌تعالی

– عشقی آتشین، عزمی پولادین، و ایمانی راستین چهره‌نگار زندگی این دو جوان است که با نگارشی زیبا و رسا در این کتاب تصویر شده است. این نیز از همان روایات صادقانه است که شنیدن و خواندن آن امثال این حقیر را خجالت‌زده میکند و فاصله‌ی نجومی‌شان با این مجاهدان واقعی را آشکار میسازد.

آذر ۱۴۰۱



ثمره مقاومت

مقاومت در برابر دشمن، یکی از معارف انقلاب اسلامی ایران بوده و هست که ایران را از یک کشور وابسته استبدادی سلطنتی در سال ۵۷ شمسی تبدیل به کشوری مستقل و صاحب اراده و موثر در نظام بین الملل در دوره جمهوری اسلامی کرد. این اندیشه مترقی البته منحصر در ایران نماند و در میان ملت ها توجه ها را به خود جلب کرد. یکی از آثار اندیشه مقاومت، برجسته سازی مساله فلسطین و ایستادگی فلسطینی ها در برابر اشغال رژیم صهیونیستی بود.قطعا اگر مقاومت نبود اکنون در جغرافیای سیاست چیزی به نام فلسطین و غزه و … نبود چرا؟ چون ارتش تا بن دندان مسلح اسرائیل با پشتوانه غرب و حکام وابسته عرب، به راحتی کل فلسطین را اشغال و تمام آثار اسلامی آن را محو کرده بود.اما مقاومت باعث شده بعد از قریب به ۸۰ سال از آغاز پایه گذاری این رژیم جعلی، هنوز نتواند در برابر یک گروه نظامی در یک جغرافیای کوچک به پیروزی برسد. چرا؟ چون مردان و زنانی در این خطه حضور دارند که خود را در برابر دشمن صاحب اراده میدانند و این اراده همان «مقاومت» است.شخصیت هایی مثل اسماعیل هنیه و یحیی سنوار و خیل عظیمی از چنین مردانی اندیشه مقاومت را در بین فرزندان فلسطینی تحکیم کردند.اندیشه ای ناب که سرچشمه آن جمهوری اسلامی ایران است.

هرچند دشمن تلاش میکند با ترور رهبران مقاومت، این نهضت و جنبش آزادسازی قدس را ریشه کن کند اما مگر اندیشه رسوخ کرده بر دل ها و جان ها قابل ریشه کنی است؟اکنون با شهادت رهبران مقاومت، نسل جدیدی از رهبران و نیروهای جوان زمام امور را به دست خواهند گرفت و هوشمندانه تر و مستحکم تر از قبل بر پیمان آزادی قدس استوار خواهند ماند.جمهوری اسلامی ایران هرچند از محور مقاومت به صورت علنی و با افتخار حمایت نظامی و مستشاری میکند اما مهمترین پشتوانه ایران از محور مقاومت تبیین و صدور اندیشه مقاومت است.

اندیشه ای که موفقیت آن، آزادی منطقه از جنگ و کشتار فرزندان امت اسلامی و تخریب شهرها و فاسد کردن انسان هاست، این راهی است که مدت هاست با انقلاب اسلامی آغاز شده و تا رسیدن به هدف ادامه خواهد داشت و به تعبیر رهبری، این انقلاب حالا حالاها با مستکبرین عالم کار داره و برآشون درسرها خواهد داشت.

- صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سید علی صافی
- سردبیر: محمدجعفر فلسفی
- صفحه آرا: رضاغلامی
- لیتوگرافی و چاپ: چاپخانه شاخه سبز قم
- روابط عمومی: ۰۹۹۳۰۶۶۴۵۸۶
- آدرس: اهواز-امانیه-خیابان عارف-نیش بوعلی-پلاک ۲۲

• با تشکر از آقایان حمید بهرامی و مهدی بدوی که نهایت همکاری را با ما مبذول داشتند

آبان ماه ۱۴۰۳ | سال بیست و سوم | شماره ۴۱۱ | ۴ صفحه | قیمت: ۲۰۰۰ تومان

ماهنامه فرهنگی، اجتماعی استان خوزستان

وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ
عَبَّكَ مَسْتَوْزٌ مَا أَسَدَكَ جَدُّكَ

امام (علیه السلام) فرمود:
عبت تو (از چشم ها) پنهان است
تا وقتی دنیا به تو اقبال دارد!
(همین که دنیا پشت کند عیوب
تو آشکار می شود).

حکمت ۵۱ نهج البلاغه

آیا این همسویی اتفاقی است؟!

۱- گروه موسوم به «مجمع مدرسین و محققین حوزه علمیه قم» که با انگیزه ایجاد یک «جریان موازی» در مقابل «جامعه مدرسین حوزه علمیه قم» تشکیل شده بود، به بهانه رخدادهای اخیر در غزه و لبنان و جنایات وحشیانه رژیم صهیونیستی، بیانیه‌ای صادر کرده و در آن به گونه‌ای وقاحت‌آمیز و شرم‌آور، موجودیت رژیم جعلی اسرائیل را به رسمیت شناخته است! به بیان دیگر در پوشش نام «من در آوردی» مجمع مدرسین حوزه علمیه قم! به مقابله با اسلام و حمایت از صهیونیست‌ها برخاسته است. بخوانید!

۲- در بخشی از بیانیه این گروه آمده است: «این مجمع، بازگشت این رژیم به مرزهای قانونی پیش از تهاجم ۱۹۶۷ و تشکیل دولت مستقل فلسطین (همان طرح دولتی قدرت‌های استکباری غرب) را راه‌حل برون‌رفت از این بحران می‌داند!» همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، گروه یادشده، تشکیل بخوانید جعل - رژیم منحوس صهیونیستی را «قانونی»! معرفی می‌کند و به روی خود نمی‌آورد که رژیم وحشی اسرائیل با اشغال نظامی سرزمین فلسطین، قتل‌عام گسترده ساکنان بومی این سرزمین مقدس، آواره کردن میلیون‌ها فلسطینی از وطن

خود و... هزاران جنایت دیگر که علیه مردم مظلوم این مرز و بوم مرتکب شده‌اند، شکل گرفته و با عنوان جعلی اسرائیل پدید آمده است! کجای این رژیم خونریز و نسل کش قانونی است؟!

۳- در بیانیه به خیال خود شوق‌القدر کرده و به عنوان یک راه‌حل! خواستار «بازگشت این رژیم به مرزهای قانونی پیش از تهاجم ۱۹۶۷ و تشکیل دولت مستقل فلسطین» شده‌اند که باید پرسید آیا نمی‌دانید که رژیم صهیونیستی از سال ۱۹۴۸ و بعد از قتل‌عام گسترده مردم فلسطین که با حمایت و کمک‌های مالی و تسلیحاتی و نظامی قدرت‌های استکباری صورت گرفته بود، جعل شده است؟! اگر می‌دانید، پیشنهاد «قانونی بودن»!

مرزهای قبل از تهاجم ۱۹۶۷ را از کدام کیسه در آورده‌اید؟! و اگر- در حالی که امروزه کودکان دبستانی هم از این واقعه با خبرند - شما از آن اطلاعی نداشته و نمی‌دانید! چه ضراری دارید درباره موضوعی که نمی‌دانید اظهار نظر کنید؟! و البته سؤال دیگری نیز در میان است

و آن، این که چرا راه‌حلی که ارائه کرده‌اید دقیقاً همان راه‌حل مورد نظر

آمریکا و اسرائیل و اروپا و برخی از دولت‌های دست‌نشانده منطقه است؟! آیا این همخوانی اتفاقی و تصادفی است؟! اگر چنین است چرا اتفاقاً با دیدگاه قدرت‌های استکباری حامی اسرائیل مو نمی‌زند؟!

۴- این نکته نیز گفتنی است که اگر دشمنان اسلام و انقلاب و ماشین‌های تبلیغاتی آنها، مجمع به اصطلاح مدرسین را در همان حد و اندازه چند نفری که عضو آن هستند، مطرح و معرفی می‌کردند، نیازی به این وجیه نبود ولی از آنجا که دشمن از بزرگنمایی به‌عنوان یک ترفند تبلیغاتی استفاده می‌کند، بعید نیست که این گروه چند نفره را در جایگاه جامعه عزیز و محترم حوزه علمیه بنشانند و دیدگاه انحرافی این گروه را به جمعیت فراگیر و پُرشمار «جامعه مدرسین حوزه علمیه قم» نسبت بدهند!

۵- و بالاخره این احتمال نیز دور از ذهن نیست که افرادی از بی‌خبری و غفلت و مخصوصاً کم‌دانی دست‌اندرکاران این گروه سوءاستفاده کرده و بیانیه یادشده را به نام آنها منتشر کرده باشند! این احتمال اگرچه بسیار ضعیف است و در صورتی که چنین بود، بایستی صحت آن را بعد از انتشار تکذیب می‌کردند ولی اکنون، دست‌کم این که اگر فریب خورده‌اند، هر چه زودتر دیدگاه خود - و یا دیدگاه نسبت داده به خود-

را اصلاح کنند و ننگ حمایت از موجودیت منحوس رژیم وحشی و جنایتکار صهیونیستی را از دامن خود پاک کنند.

■ حسین شریعتمداری

تقابل جنود عقل و جهل!



این آقای میریاقوری، نورچشمی جبهه پیداری که گفته برای دیدگاهی که او حق میدانم می‌ارزد نصف مردم جهان کشته شوند، گمان نمی‌کنم نصف خانواده خودش هم آماج پذیرفتن این نظرات را داشته باشد تلویزیون و رسانه های رسمی از انحطاط پخش این نظرات افراطی پرهیز کنند. آن دیگری رئیس جمهور نشد، اما صدا و سیما پرتیغ آن دیگری همچنان می‌چرخد

۱۳۸۲، ۱۸ اکتبر ۲۲، ۲۲۲۱ بازدید

حمله افراد معلوم الحالی مثل ابطحی به آیت الله میریاقوری، برخلاف تصور و برنامه آنها موجب توجه بیش از پیش جامعه و مخصوصاً قشر جوان به شنیدن مستقیم و بی واسطه بیانات ایشان شده است. در تقابل جنود عقل و جهل، عمامه بسرهایی چون ابطحی ها دانسته یا نادانسته خدمات بزرگی به نشر جهالت در جامعه کرده اند و طبیعی است مروج جهل، آن را که از عقل و نور ایمان در جامعه سخن میگوید دشمن خود بیندارد البته اگر حسن ظن بیش از حد داشته باشیم باید بگوییم آقای ابطحی یا در فهم خود از گزاره ها مشکل دارند و یا صرفاً برای دیده شدن چنین موضعی میگیرد. والا هر کس سخنان آیت الله میریاقوری را بشنود پوچی چنین توییت هایی برایش عیان میشود.

یادمان نرود که آقای ابطحی طبق اعتراف خود در فتنه ۸۸ همکار کسانی بوده که از سر خیانت و انتقام (خامنی و موسوی و هاشمی) علیه رهبری و امنیت ملی اقدام کردند. آیا اکنون باید باور کنیم او از سر دلسوزی، بر علیه شخصیتی لجن پراکنی میکند که مدت هاست سیبل تبلیغات دشمنان دین و ملت قرار گرفته؟! آیا این مواضع غیر از بیبستن به سیاهی لشکر جهل در تقابل با عقل است؟

در ستایش سنوار



ای مجاهد مستور نشسته در میانه ی آوار سنگ و آهن و چوب! دستار از چهره باز کن و نقاب از رخ برفکن. خدا داده‌ای و شتابان سودای خاک داری؟ لختی درنگ برادر! خدا را با تو کاری هست. گمان کردی غزه بنده ی خالص خود را رها می‌کند تا گمنام و پنهان جان دهد؟! خدای غیور را با بندگان صبور جزا دهد. باز کن فغیه را مؤمن تا ببینیم که کدام دلاور است که کاسه ی شکسته ی سر و بازو و زانو تا حقیقت آرمان و ایمانش را فریاد زند. تو همان نیستی که آواره به دنیا آمدی و زیر آوار از دنیا رفتی و اردوگاه تا گذرگاه را با جهاد و شهادت پر کردی؟ مادرت تو را نام چه نهاد که حیات الهام بخش مبارزان قدس ممات حیات بخش مجاهدان اقصی؟ جوان، اسیر شدی و پیر، آزاده. اسارت، سرت را به سنگ نزد و انتفاضه سنگ، سودای مسلح کردن حماس را از سرت نینداخت. یا یحیی! قسم به صفحه ی آخر زندگی ات که صحنه ی باشکوه بندگی است؛ تو کتاب را به قوت گرفتی و سلاح را به قدرت. عصا را انداختی تا باطل السحر جادوی بنی اسرائیل شود. ابو ابراهیم! تیر را زدی تا بت بزرگ صهیون را سرتگون کنی. طوفانی که در واپسین سال حیات طیبهات به پا کردی، اسرائیل را به آغازین روزهای حیات خبیثه اش برگرداند. ضربه ی کاری ات، عادی سازی روابط شکمبارگان مسلمان با زرسالاران یهود را تا ابد تابو کرد. تو «ظلم نوین» شیاطین را آشفته کردی. قبله ی اول را قضیه ی اول کردی. جاسوس اسرائیل نه، تو کابوس اسرائیل بودی. تو، خود تو بودی که دیوار مرزی را شکستی تا مرز بین حق و باطل و فاصله ی میان آدمیت و دناوت را شفاف کنی. غزه را کربلا کردی تا «کل بوم عاشورا» از یاد بشر نرود. حیثیت مرگ را به بازی گرفتی وقتی شهادت را در جنگ تن به تانک، گرم در آغوش کشیدی. سنوار! تو حسین وار زندگی کردی و ققنوس وار از خاکسرت برمی خیزی و تکثیر می شوی. ای آواره ی مجاهد! اسیر آزاده ی جانباز شهید! لختی درنگ! خدا را با تو کاری هست...

■ زهرا محسنی فر

از رنج به قهرمانی تأثیر یحیی سنوار بر مفهوم مقاومت

در جهانی که الگوهای قهرمانی به شدت تحت تأثیر فرهنگ‌های متفاوت و تغییرات اجتماعی قرار دارد، شهادت یحیی سنوار به عنوان یک شخصیت مرجع در مقاومت فلسطینیان، فرصتی برای اندیشیدن به معنای عمیق تر قهرمانی و نقش آن در جامعه بشری ارائه می‌دهد.

امروزه، قهرمانان معمولاً از میان چهره‌های مشهور، مانند هنرمندان، ورزشکاران و شخصیت‌های سیاسی انتخاب می‌شوند. این قهرمانان اغلب از طریق رسانه‌ها

معرفی می‌شوند و هویت آن‌ها بیشتر به درخشش‌های ظاهری و دستاوردهای فردی بستگی دارد، نه به مبارزات واقعی و اجتماعی. در چنین شرایطی، یحیی سنوار به عنوان یک قهرمان واقعی، شخصیتی است که از رنج و مبارزه جمعی سخن می‌گوید و زندگی‌اش را برای آرمان‌هایی از جمله آزادی و عدالت وقف کرده است.

سنوار نماینده ی پرچمداران مقاومت است. او در دل نظام‌های امپریالیستی، در شرایطی که بسیاری از مردم غزه به دلیل جنگ و ظلم آواره شدند، به ایستادگی

ادامه داد. شهادت او به نوعی تجسمی از بحران هویت و مبارزه برای حقوق بشر در عصر معاصر است. شهادت سنوار نه تنها به یک نقطه عطف در تاریخ فلسطین تبدیل شد، بلکه به دیگر ملت‌ها نیز پیامی مهم انتقال داد؛ اینکه قهرمانان نمی‌توانند صرفاً به الگوهای تثبیت‌شده جامعه پایبند باشند. او به افراد انگیزه می‌دهد تا از هنجارها فراتر روند و به جای فراموش کردن قهرمانی، خودشان را در مبارزات اجتماعی و انسانی فعال کنند. نهایت، شهادت یحیی سنوار نه تنها آغاز یک فصل جدید در تاریخ مبارزات فلسطینیان را رقم زد، بلکه چالش‌های متعددی را برای مفهوم قهرمانی در دنیای امروز پیش کشید. او نشان داد که قهرمانی تنها به دستاوردهای فردی محدود نمی‌شود، بلکه می‌تواند به افرادی تعلق گیرد که زندگی و هویت خود را برای آرمان‌های بزرگتر فدای جامعه می‌کنند. این پیام ممکن است الهام‌بخش نسل‌های آینده باشد تا به جای قهرمانان ساختگی، به واقعیت‌های انسانی و اجتماعی نزدیک‌تر شوند.

دانیال بصیر

رویکرد ضد حوزوی هم میهن همچنان در حال پیشروی؛ بکارگیری عنوان «روحانی مرموز» برای فتح الله گولن توسط روزنامه هم میهن

گفتنی است «فتح‌الله گولن» بنیانگذار بنیاد اجتماعی-دینی «جنبش گولن» و از جدی‌ترین مخالفان «رجب طیب اردوغان» رئیس‌جمهور ترکیه، یک‌شنبه شب به وقت محلی در شهر «سپیلزبرگ» در ایالت پنسیلوانیا، در نتیجه‌ی بروز عارضه‌ی قلبی درگذشت. گولن از سال ۱۹۹۹ با تصمیم خود از ترکیه به آمریکا مهاجرت کرد و بقیه‌ی عمرش را در تبعید خودخواسته در این کشور گذراند، اما فعالیت‌های خود یا شبکه‌اش را متوقف نکرد.

این اسلام گرای حامی اسرائیل درباره‌ی نفرتش از ایران گفته بود: در آخرت اگر راه بهشت از ایران بگذرد، می‌پرسم آیا راه دیگری که از کنار ایران بگذرد، وجود ندارد؟ / من از دیرباز به این رافضی‌ها به چشم افرادی ریاکار، منحرف، تفرقه‌انداز در دنیای اسلام، و آلت دست یهودیان نگاه می‌کرده‌ام ولی ۲۷ آوریل ۱۹۴۱ (۷ اردیبهشت ۱۳۲۰) در شهر «پاسینلر» در استان «ارزروم» ترکیه به دنیا آمد. پدرش امام جماعت مسجد بود و مادرش، غیررسمی، آموزش قرآن می‌داد. خود فتح‌الله تحصیلاتش را در مدارس سکولار آغاز کرد، اما بعداً در مدارس علمیه‌ی ارزروم در حوزه‌ی مطالعات اسلامی مشغول به تحصیل شد.



شیخ شقاق!؟!

رحمت الله بیگدلی پدر معنوی جریان موسوم به وفاق در استان زنجان در جدید ترین اظهار نظر خود از رئیس جمهور و وزیر کشور خواسته است تا یکی از ۶ گزینه پیشنهادی او را به صندلی استانداری زنجان بنشانند. شورای ۶ نفره جنب رحمت الله که ناخودآگاه بعضی از حوادث صدر اسلام را به ذهن متبادر می‌سازد، حاکی از گسست و شقاق جریان حامی دولت در استان نیز می‌باشد. جریانی که قرار بود مناصب را بر اساس «شایستگی‌ها» و «فارغ از جناح بندی ها» توزیع نماید اکنون همچو بیماری درمانده چشم به تجویزهای گوناگون امثال بیگدلی و جواد امام و سایر وفاق شناسان خلق الساعه دوخته است. گویا چشم تنگ آقایان مضامین درستی همچون «وفاق» و «برای ایران» را فقط در جغرافیای سیاسی خود جستجو می‌کنند، اگر بناست که اصلاح طلبان در حیاط دولت پیوسته مشغول تقسیم غنایم باشند دیگر چرا واژه وفاق را از معنا تهی می‌کنند؟ امثال رحمت الله که پیش از این اتهام «خالص سازی» را به دولت #شهیدرئیس‌ی وارد می‌ساختند اکنون در یک

چرخش خودآگاهانه به دنبال خالص کردن نهاد دولت برای دوستان خود اند.

به بخشی از نامه ایشان که گویا به منزله صدور بخش نامه برای دولت پزشکیان است دقت بفرمایید:

«همه این عزیزان (شورای ۶ نفره) از فعالان ستادهای انتخاباتی شما و دارای سوابق ارزشمند خدمت به کشور و نظام هستند!!» گویا در نظر جنابشان فعال ستاد بودن شرط لازم برای منصب دار شدن در دولت اهالی کوی وفاق است. خود لیدر پنداری، صدور بخش نامه برای دولت، تعیین شورای استانداری و ترور شخصیتی منتقدان و مخالفان از ابرز خصوصیات این روزهای «شیخ شقاق» است.

چهره هایی ضد وفاق که معلوم نیست دولت جدید را با تعیین تکلیف ها و تفسیر به رای های خود به کدامین سمت بکشانند

آیا جریان وفاق پدران معنوی دیگری هم در استان های دیگر دارد؟

جواب این سوال شاید ما را به فهم مسئله نزدیک تر کند...

■ میثم صحبتلو